

چالش‌های آغازین تاریخ قرآن

دایانا استیجر والد

دکتر اعظم پویازاده* (عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی رودهن)
معصومه آگاهی* (کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث)

چکیده

پاره‌ای از مستشرقان، به ویژه نویسندۀ مقاله حاضر، بر اساس برخی منابع کهن شیعه چنین پنداشته که شیعه قرآنی را که در دورۀ عثمان، قرآن معیار قرار گرفت از روی تقیه پذیرفته است و گرنه معتقد است که آیاتی در مورد اهل بیت(ع) در قرآن وجود داشته که از آن حذف شده است. دایانا استیجر والد علاوه بر منابع کهن، منابع متأخر را نیز مورد بررسی قرار داده و رأی متأخران را متفاوت با رأی متقدمان یافته و معتقد است عقیده به تحریف قرآن در میان متأخران وجود ندارد. مقاله حاضر کوشیده است ضمن ارائه ترجمه‌ای دقیق و وفادار به متن از مقاله این نویسنده برخی دیدگاه‌های وی را مورد نقد قرار داده و این نقدها را مستند به منابع شیعه کرده است.

واژه‌های اصلی: قرآن، جمع قرآن، تحریف، مصحف علی(ع)، قرائات.

برخی از مستشرقان معتقدند که شیعه قایل به تحریف قرآن می‌باشد که دایانا استیجروالد در این باره با نگاهی واقع‌بینانه‌تر به منابع شیعی، به یک بررسی تحلیلی - تاریخی پرداخته است. وی تاریخ عالمان شیعی را به دو دوره متقدم و متأخر تقسیم کرده و در هر دوره به بررسی آراء عالمان شیعه درباره مصحف کنونی پرداخته است. وی معتقد است شیعه در پذیرفتن مصحف عثمانی تقیه کرده است و از این رو به سمت تفسیر باطنی آیات رفته است. بیشتر مستشرقان، تفسیر شیعه را یک تفسیر باطنی و رمزی می‌دانند که مفسران در تلاشند این رمزها را بگشایند و معتقدند در دل این رمزها، اهل بیت (ع) قرار دارند. البته نویسنده تلاش عالمان متأخر شیعه مانند علامه طباطبایی را برای رد این نگرش مورد توجه قرار داده است. در این نوشتار ابتدا ترجمه متن اصلی و سپس نقد آن در دو بخش ارائه می‌شود:

اول: ترجمه مقاله «مجادلات در مورد قرآن»

(” Twelver Shi’i Ta’wil” by Diana Steigerwald)

بررسی مختصری از اختلافات شیعه و سنی درباره تمامیت متن قرآن و گسترش این بحث‌ها در قرون صدر اسلام نمونه‌ای جالب از چگونگی تکامل آراء و اندیشه‌ها در دوران اولیه، از طریق منازعات و نیز تضارب میان مکاتب گوناگون فکری را ارائه می‌دهد (مدرسی ۱۹۹۳). موضوع اصلی این مباحثات این بود که آیا مصحف عثمانی تمام آیات قرآن را که بر محمد (ص) نازل شده بود شامل می‌شد یا آیات دیگری وجود دارد که در قرآن کنونی از قلم افتاده‌اند.

در پایان دوره خلافت عثمان^[۱] (۶۵۶م / ۳۵ق) برای برخی از افراد جامعه^[۲] آشکار شد که اختلافات بسیار زیادی در قرائات قرآن وجود دارد. در سال ۶۳۴م / ۱۲ق، بسیاری از حافظان قرآن (قرآء) جان خود را در نبردی مقابل گروه رقیب در یمامه عربستان (یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ۲ / ۱۵؛ طبری، تاریخ طبری، ۳ / ۲۹۶؛ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ۷ / ۴۳۹) از دست دادند. خلیفه اول ابوبکر، به خاطر

ترس از بین رفتن کل قرآن از عمر و زید بن ثابت خواست تا هر آیه و یا بخشی از قرآن را که دو نفر شاهد در مدخل مسجد مدینه به آن شهادت دهند ثبت کنند. تمامی آنچه گرد آمد، بر روی برگه‌هایی از کاغذ (یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ۱۳۵/۲؛ سیوطی، الاتقان، ۱۸۵/۱ و ۲۰۷ و ۲۰۸) نوشته شد، اما هم‌چنان به عنوان یک مجلد تألیف نشده بود. این اوراق از ابوبکر و عمر به دختر عمر، حفصه و از او به عثمان رسید که وی آن‌ها را به صورت یک مجلد تألیف نمود. عثمان نسخه‌های چندی از مصحفش را به بخش‌های مختلف جهان اسلام فرستاد و سپس دستور داد هر جا مجموعه و یا آیات دیگری از قرآن یافت شود سوزانده شود (بخاری، کتاب الجامع الصحیح، ۳/۳۹۳-۴؛ ترمذی، سنن، ۸/۴-۳۴۷؛ بیهقی، دلائل النبوه، ۱/۷-۱۵۰).

بر اساس بسیاری از گزارش‌های اولیه رسیده، علی(ع) مصحف خود را نوشت (ابن سعد، کتاب الطبقات الکبیر، ۳۳۸/۲؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ۱۳۵/۲؛ ابن ندیم، کتاب الفهرست، ۳۰؛ سیوطی، الاتقان، ۲۰۴/۱ و ۲۴۸؛ کلینی، اصول کافی، ۱۸/۸) و آن را به اصحاب عرضه کرد، اما آن‌ها نپذیرفتند. در نتیجه آن را به منزل برد (سلیم، ۱۰۸/۷۲؛ کلینی، اصول کافی، ۲/۶۳۳؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ۱۹۶۰/۲). این گزارش‌ها هم‌چنین اشاره دارند که میان مصاحف گوناگون، تفاوت‌های اساسی وجود داشت.^[۳] این تنها نسخه کامل قرآن که واجد آیاتی بود که اشاره به جایگاه رفیع علی(ع) و امامان بعدی داشت، در اختیار علی(ع) بود.^[۴] علی(ع) که علم وسیع او به قرآن زبان زد بود (ابن سعد، الطبقات الکبری، ۱/۲۰۴) این نسخه اصلی را حفظ کرده و به جانشینان خود سپرد.^[۵] گفته می‌شود که او در مصحف خود به آیات ناسخ و منسوخ اشاره کرده است (سیوطی، الاتقان، ۱/۲۰۴). از این رو جامعه شیعه به زودی فهمید که بیان صریح عقایدش بی‌ثمر است. این امر فقط به رنج این جامعه می‌انجامید، به این ترتیب آن‌ها دست به تقیه (پنهان‌کاری مذهبی) زدند، چیزی که به شیعه اجازه می‌دهد در شرایط سخت عقیده‌اش را انکار کند.^[۶] با این کار مؤمنان علی‌رغم این که در برابر مخالفان

چهره‌ای موافق نشان می‌دادند، وفاداری خود را به تشیع حفظ می‌کردند. این مسأله در مورد تفاسیر قرآن هم صدق می‌کند. شیعیان با استفاده از تقیّه از ارایه تفسیر باطنی قرآن به اهل سنت - که این تفاسیر را نمی‌پذیرفتند - نیز خودداری می‌کردند،^[۷] در نتیجه، تقیّه به معنای حفظ سرّ باطنی قرآن نیز هست.

مصحف عثمانی به هیچ یک از اختلافات بعدی قرائات پایان نداد. از آنجا که علم رسم الخط عربی هنوز بسیار ابتدایی بود، امکان اختلاف هم‌چنان وجود داشت. در مصحف عثمانی، حرکت‌گذاری بسیار محدود بود یا اصلاً وجود نداشت و شکل برخی حروف بی‌صدا نیز شبیه هم بود که این دو، راه را برای قرائات گوناگون هموار کرد.^[۸] این قرائات می‌توانست به تفاسیر و برداشت‌های متفاوت بیانجامد. به عنوان مثال واژه عربی «علی» هم می‌توانست به عنوان یک صفت ساده در معنای بلندمرتبه به کار رود و هم برای اشاره به شخص «علی» (ع) و نقش خاص او در مقام جانشین پیامبر (ص) بود.^[۹] بعدها در قرن ۱۰م/۴ق، قرائات معدودی گزینش شده و معتبر شناخته شدند.^[۱۰]

متأسفانه به نظر می‌رسد این مسأله که مصاحف گوناگون چه بودند و به چه میزان با یکدیگر تفاوت داشتند امری است که به احتمال قوی هرگز کشف نخواهد شد.^[۱۱] این ابهام فضا را برای جنجال محققان مسلمان و نیز غربی‌ها پیرامون قرآن شیعه به وجود آورد. در ماه مه ۱۸۴۲، گارسین دتاسی^[۱۲] در مجله آسیاتیک، متن و ترجمه یک بخش ناشناخته از قرآن، به نام سوره «دو نور» (النورین) را نوشت. دو نور به صورت مجزا به محمد (ص) و علی (ع) اشاره داشت. اکثر محققانی که در مورد این سوره نظر دادند، درباره منشأ آن مطمئن نبودند (الیاش، ۱۹۶۶: ۱۲۵؛ ۱۹۶۹: ۱۷). به هر حال مفهوم «دو نور» توسط شیعیان که نور امامت را از نور نبوت متمایز می‌دانستند، تحول یافت.^[۱۳]

قدیس کلرتیس‌دال^[۱۴] در ۱۹۱۲ در هند نسخه‌ای خطی از قرآن را کشف کرد که ظاهراً سیصد سال قدمت داشت (تیس‌دال، ۲۲۸). وی در این نسخه خطی سوره‌ای ناشناخته پیدا کرد که جزء مصحف عثمانی نبود. وی هم‌چنین آیاتی چند

که منحصر به این نسخه بودند را نیز کشف کرد. سوره «دوستی خداوند» یا سوره الولایه، دارای هفت آیه بود که علی(ع) را به عنوان ولی(دوست) خداوند و همچنین وارث معنوی پیامبر ذکر کرده بود که تیسدال آن را به همراه چند آیه «جدید» در مجله جهان اسلام در ۱۹۱۳ ترجمه کرد. تیسدال نتوانست اصالت هیچ یک از این بخش‌های اضافی را ثابت کند، هم‌چنان که وان گرون باوم (۱۹۶۱: ۸۰) نیز که بعدها آن‌ها را به دقت بررسی کرد، نتوانست [از عهده این کار برآید].^[۱۵]

مترم. بار آشر،^[۱۶] چشم انداز کاملی از این موضوع را در مقاله‌ای که در ۱۹۹۳ با عنوان «اختلاف قرائات و اضافات شیعه امامیه به قرآن»^[۱۷] منتشر شد ارائه کرد. پیش‌تر آرتور جفری بسیاری از اختلاف قرائات را در کتاب خود (مطالبی پیرامون تاریخ قرآن ۱۹۳۷)، فهرست کرده بود. به این ترتیب بار آشر، تصمیم گرفت تمام آنچه را جفری فهرست نکرده بود مرتب کند و سپس تنها آن اختلافاتی را که به شیعه مربوط بود برگزیند (بار آشر ۱۹۹۳: ۸۰). وی قرائات گوناگون شیعه را از حیث طبیعت این اختلافات و تفاوت آن‌ها با مصحف عثمانی مورد بررسی قرار داد. بار آشر این اختلافات را به چهارگونه تقسیم کرد:^[۱۸] گونه نخست، تغییرات جزئی در واژه‌ها با تبدیل یا اضافه کردن حروف یا حرکات بود. این رایج‌ترین گونه اختلاف است؛ گونه دوم، تبدیل یک واژه به واژه دیگر است، مانند امام به جای امة (جماعت)؛ گونه سوم، بازآرایی نظم کلام است. این گونه از اختلاف، بیش از انواع دیگر مورد پذیرش شیعه واقع شده است. شیعیان در چهار قرن ابتدای اسلام اعتقاد داشتند که عثمان بخش‌های مهمی از قرآن اصلی را حذف کرده است^[۱۹] و به این ترتیب گونه چهارم تغییرات در مورد واژگانی است که عمده‌توسط عثمان حذف شده بود، مانند اشاراتی به علی(ع) و امامت (بارآشر ۱۹۹۳: ۴۷). امروزه اکثریت شیعه اثنی‌عشری معتقد است که مصحف عثمانی، متن قرآن را به تمامی اما با ترتیبی نادرست حفظ کرده است.^[۲۰] این مسأله این مطلب را برای آن‌ها تبیین می‌کند که چرا روایت قرآن همواره راحت و آسان نیست.

به طور کلی دو نوع تفسیر شیعی وجود دارد: ابتدا در یک رویکرد تجزیه‌ای [ترتیبی]، (analytic) مفسر با قرآن به صورت آیه به آیه، موافق با ترتیب چینش سر و کار دارد. مفسر متن قرآن را با مراجعه به معنای لغوی، احادیث یا آیات دیگر قرآن که ارتباط معنایی با آیه مورد بررسی را دارند تحلیل می‌کند، در حالی که فضا و سیاق آیه را در نظر می‌گیرد. تفسیر تجزیه‌ای [ترتیبی] محبوب‌ترین رویکردی بود که تا چندین قرن توسط محدثان به کار می‌رفت. در واقع حدیث زمانی طولانی به عنوان پایه اصلی تفسیر باقی ماند. این روایات پیامبر(ص) یا امامان(ع) غالباً در پاسخ به سؤالاتی بود که مردم عادی می‌پرسیدند. دوم، رویکرد موضوعی که در پی مطالعه قرآن با انتخاب موضوعی خاص از میان موضوعات خداشناسی، اجتماعی، کیهان‌شناختی [...] است. به طور مثال این روش آموزه توحید (یگانگی خداوند)، نبوت، یا خلقت را در قرآن مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. هر دو نوع تفسیر مکمل هم هستند و می‌توانند ادغام شوند. رویکرد موضوعی در فقه شایع بود در حالی که روش تحلیلی در مطالعات قرآنی معمول بود. برخی از موشکافانه‌ترین انواع حکمت‌های باطنی در طول دوران امامت امام محمد باقر(ع) (۷۱۴ م / ۱۱۴ ق) و جعفر صادق(ع) (۷۶۵ م / ۱۴۸ ق) توسعه یافت (ر.ک: نوپا، ۱۹۶۸). در همین زمان بود که نظریات باطنی راجع به قرآن، و به دنبال آن ادعاهایی مبنی بر این که قرآن عثمان کامل نیست، آشکار شد. این متن وحیانی به تنهایی قرآن صامت است و در مقابل، ائمه قرآن ناطق‌اند (ایوب ۱۹۸۸: ۱۸۴). در همین دوران بود که میان شیعه اثنی عشری و اسماعیلیه^[۲۱] جدایی افتاد. با وجود زمینه مشترک میان شیعه اثنی عشری و اسماعیلیه، تفاوت‌های بسیاری میان آنها وجود دارد. در ابتدا این تفاوت‌ها جزئی بود، اما زمانی که دوازدهمین امام در قرن نهم غایب شد، تفاوت‌ها عمیق‌تر شد. خداشناسی دوازده امامی به مرور در نبود راهنمایی مستقیم امام تغییر کرده، توجیهاتی برای امر غیبت ارائه نمود.

تفاسیر اولیه

شیعیان اثنی عشریه و اسماعیلیه بر این باورند که جعفر صادق(ع) صراحتاً

(نص) پسر بزرگش اسماعیل را به جانشینی خویش منصوب نمود،^[۲۲] اما بر اساس عقیده دوازده امامی، اسماعیل قبل از بلوغ درگذشت، بنابراین امام جعفر صادق(ع)، پسر دیگرش یعنی موسی کاظم(ع) را به امامت منصوب کرد.^[۲۳] در تشیع دوازده امامی، زنجیره امامت با غیبت امام دوازدهم که در آخرالزمان ظاهر خواهد شد، متوقف شده است.

دو مکتب اصلی دین‌شناسی در درون شیعه دوازده امامی وجود دارد: اخباریون و اصولیون. مکتب اصولی تأکید زیادتری بر روی این مطلب دارد که مجتهد (کسی که قضاوت مستقل می‌کند) آزاد است تا تعقل خود را به کار گیرد. مکتب اخباری قرآن را عمدتاً با تکیه بر احادیث منسوب به ائمه تفسیر می‌کند، بر این اساس کتاب مقدس از دریچه دیدگاه‌ها و منویات پیامبر(ص) و امام دیده می‌شود (لوسن ۱۹۹۳: ۲۱۰-۱۷۳).

قرآن در لوحی به خوبی محافظت می‌شود (لوح محفوظ).^[۲۴] لوحی که در روی زمین قدرتی دارد مافوق آنچه یک کوه سخت می‌تواند تحمل کند. منبعی است از شفا و برکت برای مردم. بنابراین قول علی بن ابراهیم قمی (۹۳۰م/۳۰۷ق) - صاحب یکی از تفاسیر شیعی - امام، مظهر نور خدا، در این صفات ابدی با قرآن شریک است، چرا که پیش از خلقت با هم بوده‌اند. امام به عنوان هدف خلقت دیده می‌شود [، چرا که]:^[۲۵] خداوند همه مخلوقات را آفرید تا او را عبادت کنند. تنها راه برای عبادت خداوند از طریق امام است. خدا او را منصوب نمود چرا که تنها کسی است که می‌تواند تفسیر صحیح قرآن را ارائه دهد. او منبع منحصر به فرد هدایت است و می‌تواند علمی را که لازمه افزایش ایمان است به پیرو خود منتقل نماید (قمی ۱۳۸۶: ۱، ۱۸-۱۹؛ ایوب ۱۹۸۸: ۱۸۰).

در پی غیبت امام دوازدهم همه چیز تغییر کرد. جامعه شیعه اثنی عشری دیگر دسترسی مستقیم به راهنمایی امامشان نداشتند^[۲۶] و بجز نواب^[۲۷] (کارگزاران امام غائب) و علما^[۲۸] (محققان دینی)، تنها منبع هدایت آن‌ها مصحف عثمانی بود^[۲۹] (مؤمن ۱۹۸۵: ۱۸۹). هم‌چنان که ذکر شد، شیعه دوازده

امامی بر این باور است که مصحف معیار تا حدودی ناقص و نامرتب است. نقل است که امام جعفر صادق(ع) فرموده: «اگر قرآن را آن چنان که نازل شد بخوانید، درخواهید یافت که ما در آن نامبرده شده‌ایم» (عیاشی، ۱، ۱۳؛ ایوب ۱۹۸۸: ۱۸۳). ممکن است این سخن به اهل بیت (علی، فاطمه، حسن و حسین(ع)) اشاره کند که در زمان حیات پیامبر در قید حیات بودند، اما از آن جا که امام دوازدهم در پس پرده غیبت قرار گرفت، به نظر می‌رسد تشیع با پذیرش ظاهری قرآن عثمانی، تکیه بیشتری روی اصل تقیه کرد. ظاهراً ممکن نیست که شیعه هرگز توانسته باشد قرآن اهل سنت را به طور کامل بپذیرد، چرا که لازمه تشیع، دست کم، اعتقاد به این مطلب است که محمد(ص) به صراحت، علی(ع) را به خلافت پس از خود منصوب کرده است. احادیث اهل سنت و قرآن^[۳۰] (مطابق تفسیر اهل سنت) شامل چنین اسنادی نیست.^[۳۱] بار آشر، تردید شیعه را که در عقیده خود محکم بودند ولی به سبب ترس دائمی از رنج و عذاب تصمیم به قبول قرآن اهل سنت گرفتند را توضیح می‌دهد (بار آشر ۱۹۹۳: ۴۶).

امام با وجود اختفاء و عدم تعامل با عالم، در میان جامعه حضور دارد، حضور امام وجود عالم را تضمین می‌کند (امیر معزی ۱۹۹۴: ۳۵). فقط و فقط اوست که قرآن را به طور کامل می‌فهمد.

زمانی که امام دوازدهم غایب شد، شیعه تماسش را نه تنها با امام بلکه با قرآن حقیقی از دست داد. آن‌ها در انتظارند که مهدی(عج) که در آخرالزمان ظهور می‌کند، قرآن اصلی را بیاورد.

مفسران شیعی در مطالعه قرآن، توضیحات محمد(ص) را تبیین معنای آیه می‌دانند. آن‌ها اصحاب را به عنوان راویان معصوم (بدون خطای) گفته‌های محمد(ص) نمی‌پذیرند.^[۳۲] شیعیان تنها یک زنجیره متصل روایت از پیامبر، از طریق جانشینان معصومش را معتبر می‌دانند،^[۳۳] در نتیجه آن‌ها خود را محدود به استفاده از احادیثی کردند که از طریق پیامبر و امامان منتقل شده است. این امر منجر به پیدایش زیر گروه‌های ذیل شده است:

گروه اول شامل کسانی است که این روایات را از پیامبر و ائمه شنیده‌اند: زراره بن اعین (۸/۲)؛ محمد بن مسلم بن ریا الطائفی (۸/۲)؛ معروف بن خربوذ (۸/۲) و جریر (۸/۲) که اصحاب امام باقر (ع) و امام جعفر صادق (ع) بودند، اصل آثار تفسیری ایشان به ما نرسیده،^[۳۴] اما روایات آن‌ها توسط گروه بعدی حفظ شده است.

گروه دوم شامل اولین مؤلفان تفاسیر است، مثل: فرات بن ابراهیم کوفی (۳/۹)؛ ابو حمزه ثمالی؛ محمد عیاشی (۳۱۹/۹۳۲)؛ علی بن ابراهیم قمی (۳۰۷/۲۰-۹۱۹) و محمد نعمانی (۳۶۰/۹۷۱) که همگی بین قرون ۲ تا ۴ هـ. ق می‌زیستند. آن‌ها از هرگونه اجتهاد (قضاوت مستقل) خودداری می‌کردند. در دوران حیات ایشان، ائمه، برای پاسخ‌گویی به مطالب تفسیری حضور داشتند (طباطبایی، قرآن در اسلام، ۱-۵۰). فرات یک محدث شیعی برجسته در دوران امامت امام محمد جواد (ع) بود. عیاشی محقق از اهل سنت بود که شریعت جعفری را پذیرفت. قمی روایاتی را که پدرش از اصحاب ائمه شنیده بود نقل کرد. نعمانی شاگرد کلینی (۳۲۹-۱/۹۴۰) بود که جامع حدیثی شیعه با عنوان الکافی فی العلم الدین (کافی در دانش دین) را تألیف کرد. اثر تفسیری او در بحارالانوار (اقیانوس‌های نورها) اثر محمدباقر مجلسی (۱۱۱۱/۱۶۹۹) بازنویسی شده است. این گروه دوم،^[۳۵] روایات را منهای اظهار نظر شخصی گردآوری کردند (ایوب، ۱۹۸۸: ۵ - ۱۸۴).

مفسران دوره میانی

گروه سوم شامل متبحران در علوم گوناگون است، مثل: شریف رضی (۴۰۵/۱۰۱۵) که شرحی درباره زبان قرآن نوشت. برادرش سید مرتضی (۴۳۶/۱۰۴۴)؛ ابو جعفر طوسی (۴۶۰/۱۰۶۷) - شاگرد مرتضی - که تفسیری با تأکید بر متافیزیک (ماورای ماده) نگاشت. معاصر وی علی فضل طبرسی (۵۴۸/۱۱۵۳) که در مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن (مجموعه بیان در تفسیر قرآن) خود، حوزه‌های متفاوتی از زبان، ساختار، قرائات، احادیث، مرگ و آخرت را پوشش می‌دهد. در تفکر شیعه دوازده امامی در میان این گروه که شروع به انکار ادعای اولیة شیعه

در باب نقص قرآن عثمانی کردند، متوجه تغییراتی می‌شویم. دیگر مفسران مهم این گروه عبارتند از: صدرالدین شیرازی (۱۰۵۰ / ۱۶۴۰) که نویسنده آثار فلسفی است؛ تفسیر عرفانی میبدی گنابادی و عبدالعلی حویزی (۱۱۱۲ / ۱۷۰۰) که تفسیرش نورالثقلین (نور دو چیز بسیار مهم) می‌باشد؛ هاشم بحرانی (۱۱۰۷ / ۱۶۹۵) که تفسیرالبرهان (دلیل) را نوشت و محسن فیض کاشانی (۱۰۹۱ / ۱۶۸۰) که تفسیرالصفائی (دوست خالص) را تألیف نمود (طباطبایی، قرآن در اسلام، ۵۱؛ ایوب ۱۹۸۸: ۱۸۵).

[زمانی] شیخ مفید (۴۱۳ / ۱۰۲۲) در اکبرای عراق متولد شد، قدرت در دست آل‌بویه و دوران شکوفایی مطالعات شیعی در بغداد بود، جایی که شیخ مفید برای تحصیل به آن‌جا رفت. او در کتاب الارشاد (راهنمایی) توضیح می‌دهد که خداوند با به کار بردن واژه «ولی» در آیه ۵۵ سوره مائده، به علی(ع) اشاره می‌کند^[۳۶] (مفید ۱۹۸۱: ۳). بر اساس یک روایت^[۳۷] پیامبر(ص) فرمود: «تو (علی) نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسی هستی، جز آن که پیامبری پس از من نیست»، لذا شیخ مفید تمام آیات قرآن که عملکرد هارون را توصیف می‌کند، در مورد علی(ع) به کار می‌برد (به طور مثال رک: طه / ۳۶-۲۹). علی(ع) و هارون سهمی از نبوت دارند و نقش آن‌ها یاری پیامبر در ابلاغ پیام و نیابت پیامبر است (مفید ۱۹۸۱: ۳). سپس روایات متعددی را نام می‌برد که فضیلت شاخص علی(ع) را بر همگان در علم دین نشان می‌دهد.^[۳۸]

پیامبر(ص) فرمود: «من شهر علم هستم و علی دروازه آن است، لذا هر کس علم می‌خواهد باید آن را از علی بیاموزد.» هنگامی که با امیر المؤمنین علی(ع) برای خلافت بیعت کردند او به مسجد رفت در حالی که ردا و عمامه رسول خدا را در بر داشت... سپس گفت: «از من سؤال کنید پیش از آن‌که مرا از دست بدهید. از من سؤال کنید چرا که من علم پیشینیان و آیندگان را دارم. اگر مسندی (که قاضی بر آن می‌نشیند) برایم آماده می‌بود (که بر آن بنشینم)، میان اهل تورات با توراتشان، اهل انجیل با انجیلشان، اهل زبور با زبورشان و برای اهل فرقان (یعنی قرآن) با فرقانشان قضاوت می‌کردم تا هر یک از این کتب تبیین شده، به

آن عمل شود. پروردگارا همانا علی بر اساس فرمان تو حکم کرده است. به خدا سوگند من قرآن و تفسیرش را بهتر از هر کس دیگری که ادعای آن را دارد، می‌دانم. اگر به سبب آیه‌ای در کتاب خداوند متعال نبود، می‌توانستم شما را به آن چه تا روز رستاخیز اتفاق می‌افتد خبر دهم». سپس گفت: «از من سؤال کنید پیش از آن که مرا از دست بدهید، چرا که قسم به او که دانه را شکافت و جان را آفرید، اگر از من درباره آیه آیه قرآن سؤال می‌کردید، به شما می‌گفتم چه زمان نازل شده، سبب نزولش چه بوده و ناسخ و منسوخ، عام و خاص، محکم و متشابه، و مکی و مدنی آن را خبر می‌دادم. به خدا سوگند تا قیامت هیچ حزبی نیست که به بیراهه می‌راند مگر این که من رهبرش، آن که آن را پیش می‌برد و آن که آن را سوق می‌دهد را می‌شناسم» (مفید ۱۹۸۱: ۲-۲۱).

مفید چنین خاتمه می‌دهد که گزارشات مشابه متعددی وجود دارد، اما او تنها چند نمونه را برگزیده است.

علامه حلی (۷۲۶ / ۱۳۲۵) معروف به ابن مطهر، عالمی شیعی بود که در دوران سلسله ایلخانی (جانشینان هلاکو) می‌زیست. او در یکی از کتاب‌هایش، الباب الحادی عشر، (رساله‌ای درباره اصول خداشناسی شیعه)، توضیح می‌دهد که تمام براهینی که ضرورت نبوت را ثابت می‌کنند، به امامت هم مربوطند. از آن جا که امامت جانشین (خلیفه) نبوت است و در جای آن قرار می‌گیرد، امام باید معصوم باشد، اگر چنین نبود، امر به معروف الهی و نهی از منکر دیگر واجب نبود و این ممکن نیست. از آن جا که امام حافظ شریعت است، باید معصوم باشد تا شریعت را از زیاده و نقصان حفظ کند. از آن جا که امام نمی‌تواند غیر عادل باشد، باید معصوم باشد، چرا که خداوند می‌گوید «عهد من به ظالمان (بدکاران) نمی‌رسد» (بقره/۱۲۴) و «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا اطاعت کنید و از رسول اطاعت کنید و از آن‌ها که از میان شما صاحب امر هستند» (مائده/ ۵۹). او بیان می‌کند که «صاحب امر در میان شما» یا معصوم است و یا نیست. به هر حال احتمال دوم باید نادرست باشد، چرا که خداوند نمی‌تواند دستور اطاعت از کسی

را بدهد که امکان اشتباه دارد. بنابراین، گزینه اول صحیح است. به علاوه از آن جا که هیچ کس دیگر ادعای عصمت نکرده است، آیه به علی(ع) و جانشینان او اشاره دارد^[۳۹] (حلی، باب الحادی العشر/ ۵ - ۶۴ و ۶۸ و ۷۶).

مفسران معاصر

روش تفسیر معاصر را می‌توان در تفکر محمد حسین طباطبایی (۱۳۲۱/۱۹۰۴ - ۱۴۰۲/۱۹۸۱) و سیدابوالقاسم خویی (۱۸۹۹-۱۹۹۲) که الیابان فی تفسیر القرآن (بیان در تفسیر قرآن) را نوشت، نشان داد. طباطبایی یکی از بزرگ‌ترین علمای معاصر در تفسیر قرآن، فلسفه و عرفان اسلامی است. تفکر او تصویر خوبی از رویکردهای کنونی شیعه دوازده امامی به قرآن ارایه می‌کند. او نویسنده تفسیری با عنوان المیزان فی تفسیر القرآن (میزان در تفسیر قرآن) است که در ۲۷ جلد به زبان عربی نگاشته شده است.^[۴۰]

طباطبایی اثر دیگری به زبان فارسی با عنوان قرآن در اسلام دارد که با نام Quran in Islam The به انگلیسی ترجمه شده و مقدمه‌ای برای مطالعه قرآن بر اساس فهم بدنه اصلی تفکر شیعی است. وی هم‌چنین در کتاب خویش، اسلام شیعی، رویکرد شیعه را به قرآن مورد بحث قرار می‌دهد. طباطبایی بیان می‌کند که قرآن هرگز از شیوه‌های پیچیده و رمزی برای بیان استفاده نمی‌کند و همواره هر موضوعی را با زبانی که مناسب آن موضوع است شرح می‌دهد (طباطبایی، قرآن در اسلام / ۹۹). به گفته او قرآن کامل و بی‌نقص است و با کامل‌ترین واژگان راه رسیدن به هدف را در زندگی به بشر نشان می‌دهد. قرآن جهان‌بینی صحیح و عملکرد درست را ارایه می‌کند (طباطبایی ۱۹۸۷: ۲۶). قرآن خصوصیتی ابدی دارد که ثابت می‌کند اعتبار آن به زمان یا مکان خاصی محدود نیست و از آن جا که مطلق و کامل است برای کامل شدن به هیچ چیز دیگری نیاز ندارد. این رویکرد به قرآن اساساً با موضع اهل سنت تفاوتی ندارد.

هم‌چنین طباطبایی به آیه ۷ آل عمران که در ابتدای این بخش نقل شد اشاره می‌کند. به نظر او آیات محکمات در قرآن، صریح، واضح، بدون ابهام و ایمن از

بدفهمی است. آیات متشابه کنایی و مجازی هستند. وظیفه مسلمانان این است که به محکمت ایمان داشته و بر اساس آن عمل کنند و نیز وظیفه دارند که به متشابهات ایمان داشته باشند، اما از عمل بر مبنای آن‌ها خودداری کنند، زیرا تنها آن‌ها که مسلمان خالص نیستند از متشابهات پیروی می‌کنند تا برای فریفتن مردم عادی تفسیری ارایه کنند. شیعیان هم چنین بر این باورند که مؤمن باید علم متشابهات را از خدا، پیامبر و امامان بجوید. آیه‌ای وجود ندارد که معنای آن کاملاً مبهم باشد، چرا که قرآن خود را به عنوان نور و منبع هدایت برای بشر توصیف می‌کند.^[۴۱] به این ترتیب آیاتی که معنای خود را نرسانند، در قرآن وجود ندارد (طباطبایی، قرآن در اسلام، ۴-۳۳). براساس نظر طباطبایی، همه آیات قرآن می‌توانند معنای حقیقی خود را به بشر عادی نشان دهند. از اصول گوناگون ائمه چنین بر می‌آید که همواره راهی برای کشف معنای واقعی آیات کنایی وجود دارد. هر آیه را، حتی آن‌ها که معنای کنایی دارند، می‌توان با مراجعه به آیات دیگر توضیح داد، از این رو معنای واقعی آیات مجازی در ارتباط با آیات صریح یافت می‌شود.^[۴۲] روایت شده که علی(ع) گفته است^[۴۳] هر بخش از قرآن شاهدهی برای بخش دیگر است و آن را آشکار می‌کند (طباطبایی، قرآن در اسلام، ۷-۳۶).

نتیجه

تفسیر شیعه عمدتاً در موضوعاتی است که مسأله امامت در آن بسیار مهم است. از نظر شیعه، محمد(ص) در غدیر خم به صراحت، علی(ع) را به امر خداوند به جانشینی خود منصوب نمود. پیامبر(ص) دو چیز بسیار گران‌قدر از خود باقی گذاشت: قرآن و عترتش که برای ماندن در راه مستقیم هردوی آن‌ها ضروری هستند. از آن‌جا که محمد(ص) آخرین پیامبر است و حلقه نبوت را ختم می‌کند، شیعه معتقد است که بشریت هنوز به رهبری معنوی نیازمند است و حلقه امامت باید جانشین حلقه نبوت شود. امامت یک اصل اساسی در اعتقادات شیعه است، چرا که تنها از طریق امام است که علم حقیقی حاصل می‌شود. امام که تجلی نور خداست، در این صفات جاودان با قرآن شریک است، زیرا که پیش

از خلقت با آن بوده است. امام هدف آفرینش را خلاصه می‌کند و تنها از طریق اوست که عبادت خداوند ممکن می‌شود. محمد(ص) وحی را دریافت و شریعت را تأسیس نمود در حالی که علی(ع) - مخزن علم پیامبر - تفسیر باطنی آن را ارایه کرد. اصل مهم تفسیر شیعه بر پایه این حقیقت است که قرآن دارای یک جنبه بیرونی و یک جنبه درونی است که جنبه درونی آن تا هفت بطن دارد. امروزه بیشتر جمعیت شیعه دوازده امامی بر این باورند که نسخه عثمانی همه متن قرآن را در بر دارد، اما ترتیب آن در برخی قسمت‌ها صحیح نیست. شیعیان در چهار قرن نخست هجری، اعتقاد داشتند که عثمان آیات مهمی از قرآن اصلی را حذف کرده است. در پی غیبت امام دوازدهم، شیعه دوازده امامی دیگر به راهنمایی مستقیم امامشان دسترسی نداشتند و به جز کارگزاران امام غایب و علما، تنها منبع هدایت آن‌ها قرآن عثمانی بود. به نظر می‌رسد از زمان غیبت امام دوازدهم، شیعیان با پذیرش ظاهری قرآن عثمانی تا حد چشمگیری بر اصل تقیه اتکا کرده‌اند.

دوم: بررسی مقاله

این مقاله دارای نقاط ضعف و کاستی‌هایی است که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود:

[۱] شواهد تاریخی نشان می‌دهد که یکی کردن مصاحف در سال ۲۵ هـ. ق انجام شده است (ابن حجر، شهاب‌الدین، فتح‌الباری، بشرح صحیح البخاری، ۹/ ۱۵؛ سجستانی، عبدالله بن سلیمان، المصاحف / ۲۴).

[۲] یکی از این افراد «حذیفه بن الیمان» است که در سفر خود به آذربایجان متوجه اختلافات مردم در قرائت قرآن شد (ابن اثیر، النهایه، ۳ / ۵۵).

[۳] گزارش‌هایی هست که نشان می‌دهد قرآن در عصر خود پیامبر(ص) به صورت کامل نوشته شد و ترتیب آیات در سوره‌ها به دستور پیامبر معین شد (سیوطی، جلال‌الدین، الاتقان فی علوم القرآن / ۱-۶۳-۶۰؛ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ۲ / ۳۹۴؛ معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، ۱ / ۲۱۸)، اما از آن‌جا که به صورت مصحف واحدی در نیامد، ترتیب سوره‌های آن نظم واحدی را نیافت جز در مورد برخی صحابه مثل علی(ع) که به

امر پیامبر(ص) آن را به ترتیب نزول مرتب کرد، لذا تفاوت در مصحف‌های صحابه منحصر به ترتیب چینش سوره‌ها و بعضی توضیحات لغوی مختصر بود (معرفت، محمد هادی، تاریخ قرآن/ ۱۴۳).

[۴] در این باره میان علمای اسلام اتفاق نظر وجود ندارد، چراکه به عقیده برخی، قرآن از تبیین و مصداق و شأن نزول آن جداست. آن چه علمای اسلام درباره آن متفقند، ترتیب چینش مصحف علی(ع) است که بر اساس ترتیب نزول آیات بوده است (مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ۸۹، ۸۸؛ سیوطی، جلال‌الدین، الاتقان فی علوم القرآن، ۱/ ۷۲-۷۱؛ معرفت، محمد هادی، تاریخ قرآن/ ۱۲۲).

[۵] این مصحف را ابن ندیم دیده و گزارش کرده است که در اختیار بنوالحسن - فرزندان امام حسن مجتبی(ع) - است (ابن ندیم، الفهرست/ ۴۸). بنا بر روایات شیعی، امامان(ع) یکی پس از دیگری آن را به ارث می‌برند (مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ۸۹/ ۳-۴۲).

[۶] بر اساس آیات و روایات، تقیه جایز و در شرایطی واجب است (ر.ک: آل‌عمران/ ۲۸؛ نحل/ ۱۰۶)؛ امام صادق(ع) فرمود: تقیه دین من و دین پدران من است، هر کس تقیه ندارد، دین ندارد (مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ۲/ ۷۴)؛ «دینتان را نگه دارید و آن را با تقیه بپوشانید، چرا که هر کس تقیه ندارد، ایمان ندارد. بدانید که شما در میان مردم مانند زنبور عسل در میان پرندگانید. اگر پرندگان بدانند چه چیز در درون زنبور عسل است، هیچ از آن باقی نگذارند و همه‌اش را بخورند و اگر مردم آنچه را در باطن شماست از محبت ما اهل بیت، بدانند هر آینه شما را با زبانشان خواهند بلعید...» (کلینی، اصول کافی، ۲/ ۲۱۸).

[۷] اهل بیت(ع) در دوران حضور خویش، هر یک به فراخور حال مخاطبان - «أنا معاشر الانبياء نكلم الناس على قدر عقولهم» (برقی، احمد بن محمد، المحاسن، ۱/ ۱۹۵؛ مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ۱/ ۱۰۶) - و با در نظر گرفتن شرایط خاص و لزوم تقیه و توریه - «حدیث تدریه خیر من الف حدیث تروییه ولایکون رجل منکم فقیهاً حتی یعرف معاریض کلامنا وان کلمه منا لتصرف»

علی سبعین وجهاً لنا من جميعها المخرج» (ابن بابویه، صدوق، محمد بن علی، معانی الاخبار، ۲) - به تبیین قرآن، بیان تأویل و ارایه مصادیق پرداخته‌اند. پس از ایشان این روایات در جوامع حدیثی (نظیر کتب اربعه شیعه؛ الکافی، من لایحضره الفقیه، التهذیب و الاستبصار) و تفاسیر روایی شیعه (مانند تفاسیر فرات الکوفی، القمی و العیاشی) گردآوری و تدوین و احادیث تقیه‌ای از غیر آن بازشناسی شده است و هیچ‌گونه ممانعتی برای استفاده سایر مسلمانان و حتی غیرمسلمانان از این منابع وجود نداشته و ندارد (جهت اطلاعات بیشتر ر.ک: جوامع اولیه و ثانویه روایی: الکافی، من لایحضر، التهذیب، الاستبصار، الوافی، بحارالانوار و وسایل الشیعه).

[۸] نخستین کسی که قرآن را اعراب‌گذاری کرد، ابوالاسود دؤلی (ابن ندیم، الفهرست، ۴۶، فن اول، مقاله دوم) و اولین کسی که نقطه‌گذاری (اعجام) نمود، نصر بن عاصم بود (معرفت، محمد هادی، آموزش علوم، ۱/ ۴۴۲).

[۹] نمونه‌های تاریخی که اختلاف قرائات را گزارش کرده‌اند، غالباً نمایانگر استفاده از واژگان مترادف (مثل: صوف به جای عهن) و یا تفاوت‌هایی در تلفظ لغات (مثل: عتی به جای حتی) هستند، نه اختلافاتی که به جهت حرکت و اعراب حروف پدید می‌آیند (ر.ک: حجتی، سید محمد باقر، پژوهشی در تاریخ قرآن/ ۳۰۳).

[۱۰] این کار در قرن چهارم توسط ابن‌مجاهد صورت گرفت. ملاک او در گزینش «قرائات سبعة» رأی و نظر شخصی است و تواتر این قرائات ثابت نشده است (معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، ۲/ ۲۳۱).

[۱۱] به گزارش تاریخ، مصاحف صحابه توسط خلیفه سوم گردآوری و سوزانده شد. با این حال اختلافات چند مصحفی که از مهلکه جان به در بردند، نظیر مصاحف ابن‌مسعود - که تا قرن ۶ در دست بوده و زمخشری آن را گزارش کرده است (زمخشری، جارالله، الکشاف، ۲/ ۴۱؛ ۴/ ۴۵) - و ابی‌بن‌کعب که تا قرن دوم باقی بوده است (طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ۵/ ۹) - در نقل‌های تاریخی آمده است (ر.ک: معرفت، محمد هادی، آموزش علوم قرآن، ۱/ ۳۹۸-۳۷۵).

[۱۲] Garcin de Tassy (۱۸۷۸-۱۷۹۴). وی مستشرق فرانسوی بود که ابتدا در موضوع زبان‌های شرقی مطالعاتی کرد. سپس به «هندشناسی» روی آورد. شهرت اولیه او به سبب آثار عمومی‌اش در موضوع اسلام و آثاری بود که از عربی ترجمه کرده بود، مانند: *Allégorise, récit poétiques* بعدها خود را وقف مطالعه زبان هندی نمود و کتاب‌های متعددی در این حوزه نگاشت، از جمله: *La doctrine de l'amour*

[۱۳] عقیده عموم دانشمندان شیعه عدم تحریف قرآن به نقیصه است (ر.ک: خوبی، ۲۵۴ و ۲۵۵)، یعنی آنان معتقدند چیزی از قرآن کاسته نشده است. پس این ادعاها در مورد سوره نورین و امثال آن، از نظر شیعه مردود و ساختگی است. (ر.ک: معرفت، محمد هادی، *صیانة القرآن عن التحریف*)

[۱۴] St. Clair Tisdall (۱۹۲۸-۱۸۵۹). تیسدال مورخ انگلیسی بود که در کلیسای جامعه مبلغین انگلیسی در اصفهان خدمت می‌کرد. وی به چند زبان خاورمیانه از جمله عربی تسلط داشت و زمانی طولانی صرف مطالعه منابع اسلامی و قرآنی به زبان‌های اصلی کرد. هم‌چنین دستور زبان‌های فارسی و هندی را نوشت. برخی از مطالعات تیسدال در منابع قرآن، مقالات کلاسیک درباره کتاب مقدس اسلام تألیف ابن وراق گردآوری شده است.

[۱۵] اگر چنین آیاتی وجود می‌داشت، قطعاً علی(ع) در ماجرای سقیفه و سایر اهل‌بیت(ع) و اصحاب ایشان در مناظرات و احتجاجات خود با مخالفان، به آن‌ها استناد می‌جستند، حال آن‌که چنین گزارشی در تاریخ ثبت نشده است. پس این موارد ساخته و پرداخته دشمنان اسلام و یا دوستان نادان است.

[۱۶] Meir M. Bar-Asher، پروفیسور بار - اشر در ۱۹۵۵م در روستای رشیدیه در جنوب شرقی مراکش متولد شد. تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشگاه عبری اورشلیم به پایان رساند. وی از رساله دکتری‌اش با موضوع «تفاسیر اولیه شیعه امامیه» در ۱۹۹۱ دفاع کرد. او در زمینه مطالعات قرآنی و اسلام شیعی صاحب نظر بوده، دارای نوشته‌ها و مقالات فراوانی در تفسیر قرآن و شیعه امامیه است.

[17] Variant Readings and Additions of the Imami-Shi'i to the Quran.

[۱۸] این تغییرات در اصطلاح علوم قرآن تحریف نامیده می‌شود. گونه نخست تحریف به زیادت و گونه دوم تحریف تبدیل و گونه سوم تحریف جا به جایی و نوع آخر، تحریف به نقیصه است که همگی از نظر شیعه و اهل سنت مردود است، چرا که مخالف قرآن و تواتر آن است.

[۱۹] مصحف عثمانی از همان ابتدا مورد تأیید حضرت علی(ع) قرار گرفت (سیوطی، جلال‌الدین، الاتقان فی علوم القرآن، ۵۹/۱) و پس از آنکه حضرت علی(ع) به خلافت رسید مردم را تشویق کرد که به همان مصحف عثمان ملزم باشند و تأکید فرمود که: از امروز هیچ کس نباید به قرآن دست درازی کند (طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، ۹۳/۱۷؛ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی علوم القرآن، ۲۱۸/۹). امامان بعد از امام علی(ع) نیز بر همین روش بوده‌اند، به طور مثال امام صادق(ع) در پاسخ کسی که از نحوه تلاوت قرآن سؤال کرده بود، فرمود: «قرآن را به همان نحوی که آموخته‌اید بخوانید» (حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ۸۲۱/۴). به طور کلی اجماع علمای شیعه بر این عقیده است که آنچه امروز در دست ماست، همان قرآن کامل و تمام است (مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۸۹/۲ - ۴۱، احتجاج امام علی(ع) با طلحه).

[۲۰] روشن است که ترتیب چینش مصحف عثمانی به ترتیب نزول آیات نیست، چرا که سور مدنی عمدتاً در ابتدا و سور مکی در انتهای مصحف قرار گرفته‌اند. هم چنین در برخی موارد، آیات ناسخ قبل از آیات منسوخ آمده است (بقره/ ۲۳۴ و ۲۴۰). هرچند که در چینش آیات حجم و بزرگی سوره مورد توجه بوده است. البته چینش مصحف عثمانی زبانی به قرآن نمی‌زند و موجب تحریف نیست.

[۲۱] اسماعیلیه یا باطنیه فرقه‌ای از شیعه امامیه است که معتقدان آن محمد بن اسماعیل برادرزاده امام موسی کاظم(ع) را آخرین امام می‌دانستند. ظهور این فرقه نتیجه اختلاف در امامت اسماعیل بن جعفر صادق با برادرش موسی بن جعفر(ع) بوده است. ایشان پس از امام صادق(ع)، امام موسی کاظم(ع) را به امامت نپذیرفتند و این مقام را مختص اسماعیل، فرزند دیگر امام صادق(ع)، می‌دانستند (ر.ک: سبحانی، ۸، ۸۰ - ۷۱).

[۲۲] مؤلف برای این سخن خود منبعی ارایه نداده است تا بتوان بهتر درباره آن داوری کرد، اما بنا بر اعتقاد رایج، شیعه اثنی عشری به امامت امام موسی کاظم (ع) - امام هفتم - معتقد است. چنان که پیش تر گفته شد طبق اعتقاد شیعه اثنی عشری. امامت منصبی الهی است و نصب امام به دستور مستقیم خداوند صورت می گیرد و امامان دوازده گانه در زمان حیات پیامبر در حدیث جابر بن عبدالله انصاری نام برده شده اند (مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۲۷ / ۱۱۹).

[۲۳] این مطلب از عقاید اسماعیلیه است. ایشان معتقدند که پس از رحلت امام صادق (ع) امامت به پسر بزرگتر وی می رسد، اما چون اسماعیل پیش از پدر در گذشته بود، امامت به محمد بن اسماعیل منتقل شد که «سابع تام» است و دور هفت با او تمام می شود و پس از او امامت در خاندان او باقی می ماند. آن ها در میان اهل سنت به «باطنیان» مشهورند و «شیعه هفت امامی» نیز نامیده می شوند (ر.ک: سبحانی، ۸، ۸، ۸۰؛ ۷۱ - ۷۱).

[۲۴] ر.ک: آیه ۲۲ سوره بروج مراد از «لوح محفوظ» که در آیات دیگر به «کتاب مکنون» (واقعه / ۷۸) و «ام الكتاب» (زخرف / ۴) توصیف شده، مقام معنوی قرآن است که مصون از تغییر و تبدیل و مسّ شیاطین است و نه موقعیت مادی آن. تعبیری که برای لوح در روایات آمده گوناگون و به نوعی تمثیل است (طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ۲۰ / ۲۵۴). در تفاسیر آمده است که لوح محفوظ همان علم الهی است (ر.ک: رضایی اصفهانی، محمد علی، تفسیر قرآن مهر، ذیل آیه ۲۲ بروج).

[۲۵] اعتقاد شیعه اثنی عشری این است که پیامبر (ص) و اهل بیتش هدف خلقتند، چرا که انسان های کامل هستند و همه چیز در جهان برای انسان کامل خلق شده است. اگر آن ها نبودند خداوند آسمان و زمین، بهشت و جهنم، آدم و حواء و همه آنچه را خلق کرده است، خلق نمی کرد [«لولاک ما خلقت الافلاک: اگر تو نبودی افلاک را نمی آفریدم» (مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۱۵ / ۲۸؛ ۵۴ / ۱۹۹)]. آن ها حجت خدا بر روی زمین، ترجمان وحی الهی، معدن علم او و

ارکان توحیدند [«السَّلامُ علیکم یا اهل بیت النبوة وموضع الرِّسالة ومختلف الملائكة ومهبط الوحی ومعدن الرِّحمة وخزان العلم و... سلام بر شما ای اهل خاندان پیامبری و موضع رسالت و محل آمد و شد فرشتگان، و جایگاه نزول وحی و مقرر رحمت و خزانه‌های علم الهی و...» (جهت مطالعه بیشتر ر.ک: زیارت جامعه کبیره، ابن بابویه، بی تا، ۲ / ۶۱۰). آنها مایه امنیت اهل زمینند [اهل بیته امان اهل الارض: اهل بیت من مایه امنیت اهل زمینند] (تستری، نور الله، احقاق الحق، ۲۴ / ۳۴۹)، و مثل آن‌ها مثل کشتی نوح و باب حطه است [«ان الله عزوجل جعل مثل اهل بیته کسفینه نوح من رکبها نجی ومن رغب عنها غرق ومثل باب حطه فی بنی اسرائیل من دخلها کان اماناً: خداوند عزوجل اهل بیت مرا مانند کشتی نوح قرار داده که هر کس به آن درآمد نجات یافت و هر که از آن روی گرداند هلاک شد و نیز مانند باب حطه در میان بنی اسرائیل است که هر کس به آن داخل شد در امان قرار گرفت (مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ۷۴/۷۳)]. ایشان از خطا و اشتباه مصونند و زمین هرگز از وجودشان خالی نمی ماند (ابن بابویه، محمد بن علی، الاعتقادات / ۴-۹۳)؛ «آن‌ها را امامانی قرار دادیم که مردم را به امر ما هدایت می کنند» (انبیاء / ۷۳).

[۲۶] پیامبر (ص) فرمود: قسم به کسی که مرا به پیامبری برگزید [شیعه] از او منتفع می شوند و در غیبتش از نور ولایت او روشنی می گیرند، آن چنان که مردم از خورشید پشت ابر بهره می برند (مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۵۲ / ۳-۹۲).

[۲۷] نایبان چهارگانه امام دوازدهم کسانی بودند که در طول مدت غیبت صغری (۳۲۹-۲۶۰ هـ ق) واسطه میان امام و مردم بودند. اسامی ایشان عبارت است از: عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، حسین بن روح نوبختی و علی بن محمد سمري (مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۵۱ / ۳۶۰ - ۳۴۴).

[۲۸] در یکی از توقیعات (نامه‌های) امام مهدی (عج) آمده است: «در حوادث واقعه (پیشامدها) به راویان حدیث ما رجوع کنید، چرا که آن‌ها حجت من بر شما و من حجت خدا هستم» (ابن بابویه صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه / ۴۸۴).

[۲۹] بر اساس حدیث ثقلین، مادام که مردم به کتاب خدا و اهل بیت (ع) تمسک جویند، گمراه نخواهند شد و قرآن و اهل بیت از هم جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض کوثر (نام آبی در بهشت) بر پیامبر وارد شوند.

[۳۰] شیعه بر این عقیده است که همه آن چه پیامبر (ص) به عنوان «وحی» دریافت می‌کرد، قرآن و «وحی قرآنی» نبود بلکه قسمت عمده آن «وحی بیانی» بود، لذا تمامی آن چه را پیامبر در تبیین آیات قرآن می‌فرمود، منشأ وحیانی داشت (وما ینطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی: او [پیامبر] از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید، آن نیست مگر وحیی که بر او القا می‌شود (نجم/۳ و ۴)). اختلاف شیعه و اهل سنت در بخش وحی قرآنی نیست، بلکه به نظر می‌رسد این اختلاف در ناحیه وحی بیانی و توضیحات پیامبر (ص) در تبیین آیات قرآن می‌باشد که در قالب روایات پیامبر و اهل بیت بر جای مانده است.

[۳۱] اهل سنت به آیات قرآن تعرضی نکرده‌اند، لیکن در تفسیر برخی آیات قرآن به خطا رفته‌اند، در حالی که روایات و شواهد تاریخی که به انتصاب الهی امام علی (ع) به امامت و تأکید پیامبر بر جانشینی بی واسطه او اشاره می‌کنند، نه تنها در منابع شیعی که در منابع اهل سنت بی‌شمارند: (طبری، محمد بن حریر، الولایه فی طرق حدیث الغدیر)؛ (ابن عقده، الولایه)؛ (انباری واسطی، عبیدالله، طرق حدیث الغدیر)؛ (ذهبی، شمس‌الدین، طریق حدیث الولایه) و... (ر.ک: علامه امینی، عبدالحسین احمد، الغدیر، ۱/ ۸ - ۱۵۲).

[۳۲] در دیدگاه اهل سنت که صحابه را عادل می‌دانند، همه روایات صحابه که از طریق صحیح از آنها نقل شده در تفسیر و غیر تفسیر، معتبر و قابل اعتماد است و تحقیق و بررسی در عدالت و وثاقت آنان لازم نیست. در دیدگاه شیعه، صحابه مانند سایر مسلمانان ممکن است عادل و موثق باشند و ممکن است فاسق و غیر موثق باشند و نه تنها دلیل معتبری بر عدالت همه آنها وجود ندارد بلکه آشکار بودن فسق برخی از صحابه روشن‌ترین گواه بر بطلان نظریه عدالت همه آنهاست. به بیان دیگر، روایات صحابه به دلیل آن که روایت است دارای اقسام

سه‌گانه است که دو قسم آن - متواتر یا محفوف به قرائن و آحاد معتبر - در تفسیر، معتبر و یک دسته آن - آحاد غیرمعتبر - غیرقابل استناد است و تنها به عنوان تأیید می‌توان از آن استفاده کرد، اما دیدگاه اجتهادی آن‌ها اعتبار مطلق ندارد، حتی در فرض احراز عدالت و وثاقت، زیرا احتمال خطا در استنباط آن‌ها وجود دارد و معاصر بودن آن‌ها با نزول آیات، آن‌ها را از خطا مصون نمی‌دارد (بابایی، علی‌اکبر، روش‌شناسی تفسیر قرآن / ۲۲۹).

[۳۳] در فرهنگ شیعی، حدیث عبارت است از قول، فعل و تقریر معصوم (صبحی، صالح، ۱۱۵)، و حجیت کلام، فعل و تقریر معصوم از برخی آیات قرآن (احزاب/۲۱؛ ممتحنه/۴؛ احزاب/۳۳؛ واقعه/۸۰-۷۷) و حدیث متواتر ثقلین (مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ۲۳/۶۶-۱۰۵) استفاده می‌شود.

[۳۴] از میان اصول نامبرده، شانزده اصل تا زمان ما باقی است که علاوه بر وجود نسخه خطی، در سال ۱۳۷۱ ش تحت عنوان «الاصول الستة عشر» در تهران به چاپ رسیده است (معارف، مجید، تاریخ عمومی حدیث / ۲۴۸).

[۳۵] دسته‌بندی نویسنده دقیق نیست. به طور مثال در گروه دوم، ابو حمزه ثمالی وجود دارد که خود از اصحاب ائمه و جزء گروه اول است و یا نعمانی که در عصر غیبت کبری می‌زیسته و حضور ائمه را درک نکرده است. شاهد بر این مدعا تاریخ حیات ایشان است. هم‌چنین کلینی، صاحب اولین جامع حدیثی شیعه - الکافی - در زمره مفسران قرآن شمرده شده است.

[۳۶] سبب نزول آیه ۵۵ سوره مائده به اتفاق شیعه و اهل سنت، علی بن ابی طالب (ع) است که در حال رکوع انگشتی خویش را به سایل بخشید (ر.ک: ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، الجواهرالحسان فی تفسیرالقرآن، ۲/۳۹۶؛ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع‌البیان، ۳/۳۶۲).

[۳۷] این روایت به «حدیث منزلت» مشهور و در منابع شیعه و اهل سنت نقل شده است (ر.ک: مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ۳۶/۳۳۱؛ ۳۸/۳۳۶؛ ۴۰/۷۸).

[۳۸] در این زمینه شیخ مفید کتابی با عنوان «تفضیل [برتری دادن] امیرالمؤمنین(ع)» دارد که در آن شواهدی دالّ بر برتری ایشان بر سایر صحابه، همه بشر و تمامی انبیاء جز پیامبراکرم، از طریق اهل سنت و شیعه ارایه کرده است (مفید، بی تا، ۹-۸).

[۳۹] اعتقاد امامیه این است که ائمه(ع) از ناپاکی، گناه و خطا مصون و محفوظند. ایشان هرگز خدا را نافرمانی نکنند و تنها آنچه را فرمان داده شوند، انجام دهند (احزاب/ ۳۳؛ ابن بابویه، محمد بن علی، الاعتقادات/ ۹۶).

[۴۰] طباطبایی در تفسیر قرآن از روش تفسیر «قرآن به قرآن» استفاده کرده است، به این صورت که از آیات هم موضوع و هم سیاق، برای پرده برداری از مراد خداوند بهره برده است.

[۴۱] اعراف/ ۱۵۷؛ مائده/ ۱۵؛ بقره/ ۲ و لقمان/ ۳.

[۴۲] عبارت قرآنی «ام الكتاب» (امّ یعنی اصل و ریشه، محل رجوع) در آیه ۷ سوره آل عمران که در توصیف آیات محکم قرآن به کار رفته است نشان می دهد که این آیات اصل و مرجع آیات متشابه هستند.

[۴۳] نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱.

نتیجه

گرچه از سخنان برخی از عالمان معتقد شیعه بر می آید که نام اهل بیت(ع) در برخی آیات وجود داشته است و یا بطن قرآن را حاوی نام آن‌ها می دانند، اما توضیح متأخران شیعه در این باب نشان از ردّ این دیدگاه دارد. این نشان می دهد که عموم عالمان شیعه به چنین سخنی اعتقاد ندارند. وجود تفسیرهایی که بر اساس عرفی بودن زبان قرآن صورت گرفته است مانند تفسیر المیزان علامه طباطبایی و تفسیر مجمع البیان طبرسی مؤید آن است که تفسیر شیعه لزوماً یک تفسیر رمزی و باطنی نیست. بسیاری از مفسران شیعه به ظهور الفاظ در معنای ظاهری آن‌ها اعتقاد دارند. هم‌چنین غالب این مفسران قرآن موجود را تفسیر کرده و معتقد به آیاتی غیر از این آیات نیستند. البته نویسنده این مقاله منکر این مطلب نیست و به دیدگاه علامه طباطبایی نیز برای نمونه پرداخته است.

منابع

الف: منابع اصلی

The Blackwell Companion to the Qur'an, 2006, edited by Andrew Rippin, Wiley-Blackwell

ب: فهرست منابع متن اصلی

1. al-Bayhaqi 1985, Dala'il al-Nubuwwa
2. al-Bukhari 1862, Kitab Jami al-Sahih
3. al-Hilli 1958, Al-Bab al-Hadi Ashar
4. al-Kulayni 1957, Al-Usul min al-Kafi
5. al-Majlesi 1909, Hayat-al-Qulub, Tehran
6. al-Mufid 1981, The Book of Guidance
7. al-Suyuti 1967, Al-Itqan fi Ulum al-Quran
8. al-Tabari 1960, Ta'rikh
9. al-Tirmidhi 1964, Sunan
10. al-Yaqubi 1960, Ta'rikh al-Yaqubi
11. Ayoub 1988, The Speaking Quran and the Silent Quran
12. Bar-Asher 1993, Variant Readings and Additions of the Imami- Shi'i to the Quran
13. Eliash 1966, Ali b. Abi Talib in Ithna-Ashari Shi'i Belief, PHD thesis
14. Eliash 1969, "The Shi'ite Quran" A Reconsideration of Goldziher's Interpretation
15. Ibn al-Nadim 1971, Kitab al-Fihrist
16. Ibn Kathir 1966, Tafsir al-Qur'an al-Azim
17. Ibn-Sa'd 1904, Kitab al-Tabaqat al-kabir
18. Lawson 1993, Akhbari Shi'i Approaches to Tafsir
19. Modarressi 1993, Early Debates on the Integrity of the Quran: A Brief Survey
20. Nwyia 1968, Le Tafsir Mystique Attribute a Ja'far al-Sadiq
21. Tabatabai 1975, Shi'ite Islam
22. Tabatabai 1987, The Quran in Islam: Its Impact and Influence on the Life of Muslims
23. Tisdall 1913, Shi'a Additions to the Koran, The Moslem World 3

ج: فهرست منابع تحقیق

۱. قرآن
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، انتشارات ارم، ۱۳۸۵ش، چ سوم.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (صدوق)، ۱۴۱۴، الاعتقادات، تحقیق عصام عبدالسید، دار المفید، بی جا.
۴. _____، من لایحضره الفقیه، تصحیح علی اکبر غفاری، منشورات جماعه المدرسین فی حوزة العلمیه، قم، بی تا.
۵. _____، کمال الدین و تمام النعمه، تصحیح علی اکبر غفاری، نشر الاسلامی، قم، ۱۴۰۵.
۶. _____، معانی الاخبار، انتشارات اسلامی، بی جا، ۱۳۶۱.
۷. الامینی، عبدالحسین احمد، الغدیر فی الکتاب والسنة والادب، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۳۹۷.
۸. بابایی، علی اکبر، روش شناسی تفسیر قرآن، پژوهشکده حوزة و دانشگاه، قم، ۱۳۷۹.
۹. البرقی، احمد بن محمد، المحاسن، دار الکتب الاسلامیه، بی جا، بی تا.
۱۰. التستری، نورالله، احقاق الحق، بی نا، بی جا [استفاده از نرم افزار مکتبه اهل البيت]، بی تا.
۱۱. الثعالبی، عبد الرحمن بن محمد، الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۸.
۱۲. حجتی، سید محمد باقر، پژوهشی در تاریخ قرآن، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۶۰.
۱۳. الحر العاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تحقیق عبدالرحیم ربانی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۱۴. الخوی، ابوالقاسم، البیان فی علوم القرآن، دار الزهراء، بیروت، ۱۳۹۵.
۱۵. الزمخشری، جارالله، الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل، مطبعه مصطفی البابی و اولاده، مصر، ۱۳۸۵.
۱۶. سجستانی، عبد الله بن سلیمان (ابن ابی داود)، المصاحف، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۵.
۱۷. السیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، المکتبه الثقافیه، بیروت، ۱۹۷۳.
۱۸. الطباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، جامعه مدرسین حوزة علمیه، قم، ۱۴۱۷.
۱۹. الطبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، تعلیق محمد باقر الخراسان، مقدمه محمد بحر العلوم، مطابع النعمان، نجف اشرف، ۱۳۸۶.

۲۰. الطبرسی، فضل بن حسن، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، مؤسسه اعلمی، بیروت، ۱۴۱۵.
۲۱. الطبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، بریل، لیدن، ۱۸۷۹.
۲۲. عسقلانی، شهاب‌الدین (ابن حجر)، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.
۲۳. العکبری البغدادی، محمد بن نعمان (مفید)، تفضیل امیر المؤمنین (ع)، تحقیق علی مدرسی، بی تا، بی جا، بی تا.
۲۴. العیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تحقیق هاشم رسولی، انتشارت علمیه، تهران، ۱۳۸۰ق.
۲۵. القمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تحقیق طیب موسوی، نشر دار کتاب، قم، ۱۳۶۷ش.
۲۶. الکلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۸.
۲۷. المجلسی، محمد باقر، حق‌الیقین، انتشارات امام عصر (عج)، بی تا، بی جا، ۱۳۸۶.
۲۸. المجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، وفاء، بیروت، ۱۴۰۳.
۲۹. معارف، مجید، تاریخ عمومی حدیث، کویر، تهران، ۱۳۸۷.
۳۰. معرفت، محمد هادی، آموزش علوم قرآن، ترجمه التمهید (ابومحمد وکیلی)، سازمان تبلیغات، تهران، ۱۳۷۱.
۳۱. _____، التمهید فی علوم القرآن، مطبعه مهر، قم، ۱۳۹۸.
۳۲. _____، تاریخ قرآن، انتشارات مهر، قم، ۱۳۸۳.
۳۳. هاشمی خویی، حبیب‌الله، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، تصحیح سید ابراهیم میانجی، بنیاد فرهنگ امام المهدی (عج)، تهران، بی تا.